



انتشار تک‌آهنگ جدید پیش از کنسرت تهران

احسان خواجه‌امیری، خواننده آلبوم «پاییز، تنهایی» که این روزها تور کنسرت‌های تابستانی خود را با اجرای زنده در سه استان غربی کشور دنبال می‌کند، بعد از تور کنسرت‌های غرب ایران، همدان، سنندج و کرمانشاه، در تهران نیز روی سن خواهد رفت. او در این کنسرت‌ها، قطعاتی از آخرین آلبوم منتشر شده‌اش (پاییز، تنهایی) را همراه با قطعاتی از آلبوم «عاشقانه‌ها» و گلچینی از آثار قدیمی‌تر به اجرا در خواهد آورد. کنسرت این خواننده پاب در پایتخت احتمالاً اوایل مهر امسال برگزار می‌شود. تاریخ دقیق این برنامه متعاقباً اعلام خواهد شد. خواجه‌امیری تا پیش از کنسرتش در تهران، قطعه جدیدی نیز منتشر خواهد کرد.



خط سل



موسیقی قوم بختیاری آینه تمام‌نمای تاریخ این قوم است و به هر گوشه‌ای از آن که سرک بکشی، درخواهی یافت که این نغمه‌ها بر ساخته دست و پنجه و خنجره مردمانی سخت‌کوش و سختی‌دیده است که غم و شادی را به یک میزبان در تولد و مرگ مردمان خویش متبلور می‌سازند.

موسیقی بختیاری بر اساس پراکندگی و مناطق قشلاقی و ییلاقی این ایل در استان چهارمحال و بختیاری و قسمت‌هایی از استان کهگیلویه و بویراحمد و نیز به‌طور عمده و به ترتیب اهمیت در مناطقی از لرستان، خوزستان، اصفهان، همدان (تویسرکان)، بوشهر، فارس و استان مرکزی رواج دارد. این پراکندگی که ناشی از قرن‌ها کوچ و جابه‌جایی ایلات و طوایف بختیاری در استان‌ها و نواحی مذکور است، موجب شد موسیقی این ایل به‌طور محسوسی بر موسیقی مناطق فوق‌تاثیر بگذارد و در مواردی نیز از آن متأثر شود. با این همه موسیقی بختیاری از نظر ساختار و فرم نغمات از چنان شاخصه‌هایی برخوردار است که به آن شخصیتی مستقل و ممتاز بخشیده و به خاطر ویژگی‌های منحصر به فرد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌ها و ریزتوارهای موسیقی قومی و ایلی در ایران قابل بررسی است.

آلبوم «ویر» را شاید بهتر باشد یکی از آثار درخشان در حوزه موسیقی بختیاری دانست. اما این درخشش و تمایز را در کجا باید جست؟ به عقیده نگارنده آنچه ویر را از بسیاری از آثار مشابه جدا می‌کند، نگاه مولفانه ارژنگ سیفی‌زاده است. سیفی‌زاده با نگاهی که به موسیقی دستگاهی خلافتان در آن هژمونی دارد، سرآغ موسیقی‌ای رفته که نلفظ ابزار و ادوات خود را دارد بلکه در راسته موسیقی مقامی قرار می‌گیرد و لحن و لهجه خاص خودش را دارد.

در ویر، تار ساز مادر است؛ مانند موسیقی رسمی (ردیف دستگاهی) در حالی که در موسیقی مقامی بختیاری‌سازی ملث نی یا سرنا چنین نقشی را ایفا می‌کند. اگرچه در این آلبوم از نی در مسیر جواب آواز یا تکنوازی استفاده شده، اما همچنان

روح خلاق ارژنگ سیفی‌زاده بر کلیت اثر حاکم است و سعی دارد اثرش ترکیبی از موسیقی بختیاری و موسیقی ملی باشد. افزون بر اینها صدای جاودانه و گرم و گیرای مسعود بختیاری (بهمن علاءالدین) در کنار همراهی سازنگ سیفی‌زاده به بخش آوازی اثر غنایی دوچندان بخشیده و موسیقی بختیاری پیش‌رو را از آن تک‌صدایی همیشگی موسیقی نواحی ما دور کرده است. خانم مهرعلی در قطعه پایانی دکلماسیون روی غزلی به نام بنگ بساو از محمدحسین سیفی‌زاده حسن ختام بسیار زیبایی را رقم زده است. اما آنچه به نظر می‌رسد این اثر را در کمال شرایط به عرصه تولید نزدیک کند، مدیریت هنرمندی چون محمدحسین سیفی‌زاده است که قطعات این پارز دلچسب را به خوبی در کنار هم قرار داده است. به هر روی اگرچه نمی‌توان آلبوم ویر را به تمامی یک اثر در طبقه موسیقی نواحی ایران قرار داد، اما حضور صدای ماندگار علاءالدین و خلاقیت‌های سیفی‌زاده آن را در زمره آثاری قرار می‌دهد که روزگاری تاریخ موسیقی ایران آن را در حافظه خود ثبت خواهد کرد.



بابک بابایی در گفت‌وگو با فرهیختگان: معلم مردم نیستم!

هر کدام از بزرگان سبک گل‌ها استقلال شخصیتی و هنری خود را داشتند



محمود توسلیان

بابک بابایی از آن دسته هنرمندان خودساخته است که با بهره‌گیری از محضر استادانی چون محمد منتشری و زنده‌یاد رضوی‌سروسازانی دنبال جریان رایج در موسیقی نبوده و همیشه به استقلال در هنر باور داشته است. علاوه بر خوانندگی او نقاشی زبردستی نیز هست و تاکنون شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. آلبوم «بر من گذشت» با وجود اینکه نخستین گام او پس از سال‌ها شاگردی است، در همان قدم نخست با استقلال بسیاری مواجه شد که ما را با این خواننده نقاش بخوانید.

آلبوم «بر من گذشت» برخلاف تصورات از استقبال خوبی برخوردار شد تا جایی که آلبوم شما یکی از کاندیداهای جایزه بزرگ موسیقی ما در بخش موسیقی با کلام است، شما عوامل این موقعیت را چه می‌دانید؟

تاریخ هنر ثابت کرده است که در خلق یک اثر هنری قابل تأمل همیشه نه‌فقط یک عامل یا یک فرد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل افراد موثر هستند. آلبوم «بر من گذشت» هم از این قاعده مستثنی نبود. از آهنگساز گرفته تا انتخاب اشعار مناسب، گرافیک و بسته‌بندی اثر در موفقیت این آلبوم نقش داشتند. مخاطب هنرشناس و فرهنگی که مد نظر ما بود را مورد مطالعه و بررسی قرار دادیم و در بخش‌هایی که ما بود سلیقه مردم را در نظر بگیریم، سعی کردیم که چیدمان قطعات و حتی زمان‌بندی آنها را متناسب با سلیقه آنها پیش ببریم. از طرف دیگر به رصد سایر آثار مشابه در بازار پرداختیم و سعی کردیم با فاصله‌گیری از نقاط ضعف‌شان به نقاط قوت‌شان بپردازیم و در تقویت خودمان به کار بگیریم. مساله دوم این است که ما متأثر از دوره طلایی موسیقی گل‌ها دست به خلق این اثر زدیم و در واقع اقتباسی از این ژانر داشتیم. فکر می‌کنم مردم هنوز موسیقی گل‌ها را دوست دارند.

شما از شاگردان محمد منتشری هستید. سبک ایشان بر عزم مردمی بودن‌شان دیگر با فضای رایج در موسیقی ایرانی نسبت نزدیکی ندارد. خوانش شما هم از آن قاعده جدا نیست. اما با وجود فاصله میان سبک شما و سلیقه رایج، این استقبال چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ من هر چه دارم از استاد منتشری و مرحوم

شخص خاصی وابسته نبودم. یادگیری یک دایره بی‌نهایت بزرگ است که از همه کس و همه چیز می‌توان یاد گرفت. من معلم مردم نیستم. از خودشان یاد می‌گیرم و به خودشان پس می‌دهم. من اگر لایق باشم فضا را برای مردم نورانی‌تر می‌کنم.

ریشه‌های علاقه‌مندی شما به موسیقی گل‌ها در کجاست؟

پدر بزرگی داشتم که بنام محمودی و قوامی ... گوش می‌کرد. این صداها در من نشست، تا جایی که خودم گشتم و پیداکردم و دیدم مرحوم پیرنیا چه اسم با‌مسمایی گذاشته است. مثلاً گل‌های رنگارنگ در واقع هم گل است و هم رنگارنگ. هر کدام از بزرگان این سبک استقلال شخصیتی و هنری خود را داشتند. آنها ضمن اینکه از استادان‌شان پیروی می‌کردند اما خودشان بودند. من هم تمام سعی‌ام در طول این سال‌ها آن بوده است که خودم باشم. من به یک جهت و به یک روش نگاه نکردم. خواستم خودم باشم و امیدوارم چنین باشم.

شما علاوه بر خوانندگی، به صورت حرفه‌ای نقاشی هم می‌کنید و شاگردان بسیاری را در گالری تان دیدم که رفت و آمد می‌کنند. فکر می‌کنید در زمان خلق موسیقی چقدر تحت تاثیر هنرهای تجسمی هستید؟

شک نکنید که تمام هنرها روی هم تاثیر گذارند و می‌تواند به یکدیگر کمک کنند. من هم از این نیرو بسیار کمک گرفتم و تاثیر پذیرفتم. سر منشا همه همزمان با اینکه آموخته‌هایم در نقاشی هارمونی وجود دارد، در موسیقی هم هست. ترکیب‌بندی و کمپوزیسیون در نقاشی هست، در موسیقی هم یک رکن اصلی و اساسی است. اما اینها وجوه مشترک این دو هنر است. از همه مهم‌تر از دید یک هنرمند هنرهای تجسمی می‌توانم تجسم و تصور کنم که نهایت کار چه خواهد بود و براساس آن نگاه به تدریج شروع می‌کنم به شکل دادن آن اثر موسیقایی. یک حس خاصی در هر هنری هست که با مدیریت می‌توان از هر کدام با‌نفع و تکامل دیگری بهره برد.

فکر می‌کنید اثر بعدی تان در راستای همین اثر باشد؟

در کار بعدی هم در این فضاها حرکت خواهم کرد اما با تغییراتی اندک که تکمیل‌کننده اثر قبلی است. تغییر یک اتفاق نرم و بطئی است تا هنرمند بتواند به چیزی که می‌خواهد برسد. ایده‌آل ذهنی من این است که قسمت پاک و صفای باطنم را بتوانم به شنونده منتقل کنم. شاید این دلیل اصلی رجوع من به موسیقی گل‌هاست.

پس در واقع شما یک حرکت جامعه‌شناسانه در بازار هدف‌تان انجام دادید.

من از زمانی که به یاد دارم همه جور موسیقی خوب گوش کردم. پس به

کافه موسیقی

تکنیک رهبری ارکستر همراه بارهبری گروه آوازی تهران

توماس کاپلین نروژی با رهبری گروه آوازی تهران ۱۲ و ۱۳ ماه جاری روی سن می‌رود. گروه آوازی تهران به رهبری میلاد عمراللو و این رهبر میهمان بعد از یک سال در تالار وحدت به اجرای قطعات جدیدی از موسیقی کرال در سبک‌های جز، پاپ و لاتین خواهند پرداخت. در این کنسرت، قطعاتی از یوهان سباستین باخ، آستور پیاترولا و همچنین مرز هوگان اجرا خواهد شد. کاپلین آهنگساز، تنظیم‌کننده و رهبر گروه کر و مدرس آواز برجسته‌ای در دنیا به شمار می‌رود که با گروه‌های کر مختلف در مسابقات جهانی حضور داشته و موفق به کسب عناوین متعددی هم شده است. پدارم طهماسبیان، مدیر برنامه‌های گروه آوازی تهران اعلام کرد: «این رهبر ارکستر و مدرس موسیقی به دعوت آموزشگاه موسیقی «نونال» و گروه آوازی تهران به ایران آمده و علاوه بر رهبری گروه آوازی تهران در کنسرت پیش‌رو، این روزها در حال برگزاری مسترکلاس نیز است.»

کاپلین در این مسترکلاس نکات را مهمی درباره فلسفه و تکنیک رهبری (حرکت دست، نحوه ایستادن، حرکت بدن و تکنیک‌های ضرب زدن)، روانشناسی، هدایت کردن و سازماندهی گروه، روش کار کردن و تمرین دادن گروه کر (تمرین آماده کردن و نت‌خوانی قطعات، لزوم و کارکرد گرم کردن صدا، تاثیرات روانی صدا و آکوستیک، تمیز خواندن و کوک گروه کر) بیان می‌کند. رپرتوار این مسترکلاس نیز هفت قطعه از موسیقی کرال مانتیکس، فولکلور اروپا، پاپ و آهنگسازان معاصر است و گروه آوازی تهران و گروه کر توانل نیز در این مسترکلاس حضور دارند.

جشنواره

با پایان مهلت فراخوان داوری اولیه نهمین جشنواره موسیقی جوان از چهارم مرداد آغاز شد جوان اولیه نهمین جشنواره موسیقی جوان از چهارم مرداد با حضور استادان برجسته موسیقی آغاز شده است. به گزارش روابط‌عمومی انجمن موسیقی ایران، مهلت ارسال آثار به دبیرخانه نهمین جشنواره موسیقی جوان، آخر تیر به پایان رسید و از چهارم مرداد نیز داوری اولیه این جشنواره آغاز شده است. در این دوره استادان برجسته موسیقی ایران در قالب هیات‌های مختلف، آثار رسیده به این جشنواره را بازبینی و با نظر کارشناسانه، هنرجویان نوجوان و جوان را برای حضور در مرحله نهایی انتخاب می‌کنند. نهمین جشنواره موسیقی جوان در سه بخش موسیقی دستگاهی ایران، موسیقی نواحی ایران و موسیقی کلاسیک به دبیری هومان اسعدی برگزار خواهد شد. در بخش موسیقی دستگاهی ایران خوانندگان و نوازندگان سازهای تار، سه تار، سنتور، کمانچه، نی، عود، قانون و تنبک؛ در بخش موسیقی نواحی ایران خوانندگان و نوازندگان سازهای زهی (سازهای خانواده دوتار، تنبور، رباب، تار آذری، ساز عاشقی، بجنو، کمانچه و قیچک)، سازهای بادی (سازهای خانواده نی، سرنا، کرنا، بالابان، نرمنمای، دوزله، نی‌انبان و نی‌جفتی) و سازهای کوبه‌ای (سازهای خانواده دف، دایره، دهل و نقاره) و در بخش موسیقی کلاسیک نوازندگان سازهای پیانو، ویولن، ویولا، ویولنسل، فلوت، ابوا، کلارینت، ترومبون، ترومپت، هورن و گیتار کلاسیک به رقابت خواهند پرداخت. نهمین جشنواره موسیقی جوان به دبیری هومان اسعدی شهریور امسال در تهران برگزار می‌شود.

نگاه

آن موسیقی توسط افراد در خلوت خود یا محافل کوچک است. این حق مردم است که بتوانند چنین لذتی را مجدداً در قالب شنیدن بر این فرم داشته باشند. اما در صورت برای بنده، حکم فرمایش استاد کیمیایی بوده و اگر صلاح بدانند که این کار نباید انجام شود پس نباید انجام شود. آقای عبدی هم چنین نظری داشتند. از لحاظ قانونی می‌توانست این کارها اجرا شود، اما در بحث هنری تصمیم دیگری اتخاذ شد. ما هنوز هم دوست داریم بتوانیم اجازه را بگیریم و این قضیه صددرصد متنی شده نیست.»

قانون آزادشدن نشر کتب که ۳۰ سال از تاریخ انتشارش می‌گذرد تنها برای حوزه نشر کاغذی و کتاب اعتبار دارد و قابل تعمیم به نشر الکترونیک موسیقی نیست. مهم‌ترین مساله‌ای که نباید نادیده انگاشت، حق موزیسین زنده است که صاحب موسیقی متن فیلم شناخته می‌شود و باید در فرهنگساز برای قانون حق نشر و حقوق مولف و مصنف به آن توجه و احترام ویژه داشت.



فخرالدینی ساخته است از جمله سرداران و امام‌علی(ع) اشاره کنیم که همگی بعدها توسط آهنگساز آماده انتشار شده و تهیه‌کننده فیلم‌ها در نشر آن نقشی نداشته‌اند. با این همه وقتی هفته گذشته خبر از اجرای موسیقی فیلم‌های مسعود کیمیایی منتشر و با مخالفت اسفندیار منفردزاده آهنگساز مواجه شد، حرف‌هایی بین نویسندگان و علاقه‌مندان زمزمه شد که تا نشست خبری این کنسرت رسید که کمی از جامعه موسیقی بعید می‌نمود.

اگرچه کدورت‌های بین کیمیایی و منفردزاده دلیل اعتراض منفردزاده به اجرای موسیقی فیلم‌های او نشد اما رفتاری که ما را متعجب کرد صحبت‌هایی بود که تمایل داشت از راهکارهای دیگری برای حل این مساله سود جویید تا بلکه در کنسرت موسیقی فیلم‌های

در حاشیه اختلاف مسعود کیمیایی و آهنگساز «گوزنها»

موزیسین صاحب اثر است نه تهیه‌کننده و کارگردان فیلم

کسانی زیرپاگذارنده حق و حقوق معنوی موزیسین‌ها می‌شوند که پیشتر خود مدافع آن بوده‌اند و در اینجاست که دیگر نمی‌توان معاهده کپی‌رایت برای تمامی مردم تصویب و لازم‌الاجرا کنند که تا به حال به‌رغم همه حمایت‌ها و راه‌اندازی کمیته‌های مختلف، این مساله در بین قانونگذاران خریداری نداشته و ندارد. با این حال جامعه موسیقی تلاش داشته با اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در این زمینه برای احقاق حقوق خود حتی‌الامکان نگذارد که این حقوق مادی و معنوی هنرمندان مورد بی‌توجهی قرار گیرد و با اصلاح فرهنگ مصرف کالای شنیداری کمبودهای قانونی را التیام ببخشد.

دیگر همه می‌دانند که در نبود قانون فراگیر کپی‌رایت چه زبان‌ها که به موزیسین‌ها وارد نشده و چه خسارت‌ها که بر تولیدکنندگان تحمیل نشده است و در این بین تنها ناشران و هنرمندان بوده‌اند که سعی کرده‌اند به صورت محدود با زیرپا گذارندگان این قوانین برخورد کنند تا شاید منجر به یادآوری حق و حقوق معنوی و مادی خود شوند.

و جانب اینجاست که گاهی اتفاقاتی می‌افتد که از حد تصور خارج است. یعنی این بار

نگاه

آن موسیقی توسط افراد در خلوت خود یا محافل کوچک است. این حق مردم است که بتوانند چنین لذتی را مجدداً در قالب شنیدن بر این فرم داشته باشند. اما در صورت برای بنده، حکم فرمایش استاد کیمیایی بوده و اگر صلاح بدانند که این کار نباید انجام شود پس نباید انجام شود. آقای عبدی هم چنین نظری داشتند. از لحاظ قانونی می‌توانست این کارها اجرا شود، اما در بحث هنری تصمیم دیگری اتخاذ شد. ما هنوز هم دوست داریم بتوانیم اجازه را بگیریم و این قضیه صددرصد متنی شده نیست.»

قانون آزادشدن نشر کتب که ۳۰ سال از تاریخ انتشارش می‌گذرد تنها برای حوزه نشر کاغذی و کتاب اعتبار دارد و قابل تعمیم به نشر الکترونیک موسیقی نیست. مهم‌ترین مساله‌ای که نباید نادیده انگاشت، حق موزیسین زنده است که صاحب موسیقی متن فیلم شناخته می‌شود و باید در فرهنگساز برای قانون حق نشر و حقوق مولف و مصنف به آن توجه و احترام ویژه داشت.